

من به بابای تو مشکوکم سوفیا!



✚ پوریا عالمی

● **سوفیا**!لان دوره جاسوس بازی است. درواقع الان در یخچال را باز کنی بعید نیست که تخم‌مرغ‌ها جاسوس باشند یا وقتی زیر دوش حمامی، حواس‌ت باشد صابونی که دست توست قصد نفوذ دارد. باور کن شوخی نمی‌کنم. میهمان دولت آن‌گونه، استاد دانشگاه فلان این‌گونه، آن مداح آن‌مدل.

از همه عجیب‌تر جاسوس وزارت نفت است. یک خانم را گرفتند به جرم جاسوسی، ولی پای ۱۰، ۱۵، مدیر وسط است!

از آن بدتر رئیس سابق صداوسیماست که یک خاتم که معاونش بوده، الان تا طرف را جلوی گلوله نبرد ول‌کن نیست.

بنده‌خدا، آن خانم که شوهرش به‌جای حل مسئله‌اش، صورت‌مسئله را با گلوله پاک کرد.

واقعا ما داریم به کجا می‌رسیم؟

به نظر ما، با توجه به وضعیتی که مدیران و مسئولان ما دارند، بهتر است جای نهادهای ضدجاسوسی، دوتا مشاور خانواده بیاید این اسایتد را بررسی فنی کند ببیند شلوارشان دوتا شده و نم جاسوسی پس داده‌اند یا هنوز به شلوار اول وفادارند.

آری سوفیا

باری سوفیا

الان طوری جاسوس زیاد شده که خود من به تو و بابات هم مشکوکم.

عاشق تجسسی تو؛ میدون دوم

نخست‌وزیری که یک روز هم دوام نمی‌آورد

● بوریس جانسون، وزیر امور خارجه سابق دولت بریتانیا و شهردار سابق لندن، این روزها خبرسازترین و جنجالی‌ترین چهره آن خطه شده است. یک نماینده پارلمان انگلستان روز چهارشنبه به برنامه زنده تلویزیونی او را «کاسب دروغگو» خواند و گاردین او را «نماد خودپرانگری» نامید. در روزهای اخیر و پس از کنارتفتن خانم ترزا می ظاهرا شرایط برای آنکه بوریس جانسون سمت نخست‌وزیری آن کشور را بر عهده بگیرد، در رأی‌گیری‌های درون حزبی محافظه‌کاران مساعد است. از سوی دیگر نمایندگان ارشد محافظه‌کار مجلس اعیان انگلستان ایران نگرانی کرده‌اند که اگر بوریس جانسون نخست‌وزیر انگلستان شود، حتی

یک روز هم دوام نیاورد، چون ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی او سبب می‌شود همان روز اول استیضاح شود و رای عدم کفایت یا عدم اعتماد بگیرد! البته این سخنان بی‌پایه هم نیست و احتمال قوی وجود دارد که جرمی کوبرین، رهبر حزب کارگر، در همان نخستین روز انتخاب بوریس جانسون استیضاح او را به جریان بیندازد.این در حالی است که ماجرای درگیری خانگی و خشونت فیزیکی بوریس جانسون علیه همسرش، کری سیمپونز، در هفته اخیر خوراک خبری رسانه‌ها بوده است. روزنامه گاردین گزارش کرده است که همسایه‌های بوریس جانسون به پلیس تلفن زده‌اند و گزارش داده‌اند که صدای خانم سیمونز را شنیده‌اند که جملات «ولم کن» و «از آپارتمان من برو بیرون» را فریاد زده است. بی‌بی‌سی روز یکشنبه گزارش داد بوریس جانسون در کنفرانسی مطبوعاتی به میزبانی حزب «توری» در بیرمنگام از پاسخ به پرسش‌ها درباره «ماجرای درگیری با همسرش» خودداری کرده است. بنا بر این گزارش آقای جانسون گفته «مردم نمی‌خواهند درباره این ادعاها بیشتر از این بشنوند. لین دیل، مجری رادیو، در این جلسه آقای جانسون را به طفره‌رفتن متهم کرد و جانسون هم در پاسخ گفت: «مردم قرار است از من درباره کارهایی بپرسند که می‌خواهم برای کشور انجام بدهم». مجری رادیو بر این نکته پافشاری کرد که «اگر پلیس به خانه شما خوانده شده، این مسئله به همه مربوط است» و «شما قرار نیست فقط رهبر حزب محافظه‌کار باشید، قرار است نخست‌وزیر همه مردم باشید» و بوریس جانسون با پذیرش اینکه «این نکته منصفانه است»، پاسخ داد «من مردی هستم که به وعده‌های سیاسی‌ام عمل می‌کنم» و در نهایت اعلام کرد دیگر درباره این اتفاق اظهار نظری نمی‌کند. از سوی دیگر، به گزارش دیلی میل، فردی که به پلیس تلفن زده و ماجرای سروصدای خانه بوریس جانسون را گزارش داده، نمایش‌نامه‌نویسی به نام تام پن است که صدای

مشاجرات بوریس جانسون و همسرش را ضبط کرده است. تام پن و همسرش، اولی که دختر کی میلیون چکرگاست، در مجاورت خانه جانسون در کمبریول در جنوب لندن زندگی می‌کنند، آنها از مخالفان سرسخت و فعال برگزیت بوده‌اند، بااین‌حال همسایگان دیگر نیز تأیید کرده‌اند که درگیری بی‌سابقه‌ای در جریان بوده است. هفته گذشته روزنامه زرد «سان» که در بریتانیا و لندن منتشر می‌شود، با انتشار عکس‌هایی از داخل خودروی قدیمی توپوتا پروپوا که جانسون معمولاً سوار می‌شود، آن را یک «زباله‌دانی متحرک» نامید و توضیح داد این خودرو سلخته‌تر و کثیف‌تر از موی سر زولیده بوریس جانسون است! در این عکس‌ها اشیایی مانند ظروف یک‌بارمصرف، لیوان‌های نوشابه و لباس‌های پخش‌ویلا در داخل خودرو نمایش داده شده که آن را واقعا شبیه به سطل زباله نشان می‌دهد.

شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۶ تیر ۱۳۹۸ • ۲۳ شوال ۱۴۴۰ • ۲۷ ژوئن ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۶۱ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۷ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۱

روزنامه‌فرو

کارتون خواب

✚ کلود سر



مفهوم مهندسی مجدد سیستم‌ها

لژوم بازنگرید درروش‌هاوسیستم‌های کارسازمانی سنتی، تحت عنوان «مهندسی مجدد سیستم‌ها» (systems reengineering) در سال ۱۹۹۳ توسط مایک هامر و جیمز جامپی مطرح شد. منظور آنها از این کار، «بازنگری، طراحی و پیاده‌سازی مجدد روش‌ها و سیستم‌های کاری سنتی و قدیمی بر اساس ایده‌های جدید به منظور ارتقای آنها از جمیع جهات» بود. این ایده به این خاطر مطرح شد که در سال‌های دهه ۱۹۹۰ موج بزرگی از اتوماسیون فرایندهای کاری حادث شده بود و شعار هامر و جامپی این بود که:

«مکانیزه نکنید،

مهندسی مجدد

کنید».

به عنوان مثال

ممکن بود سازمانی

روش حسابداری

سنتی چهارستونی

(شامل «واردات نقدی»، «صادرات نقدی»، «واردات جنسی»، «صادرات جنسی») خود را بدون ارتقای آن مثلا به سیستم حسابداری مدرن‌تر موسوم به «حسابداری دویل» (شامل دو ستون «بدهکار» و «بستانکار») مکانیزه کند و برای تهیه مثلا انواع گزارش‌های مالی معمول در سیستم دویل، انتظار معجزه از آن را داشته باشد! این موج مکانیزاسیون بدون مهندسی مجدد به همراه مشکلات دیگر و نیز نبودن تجربه در بیشتر زمینه‌ها باعث شد که در سال‌های میانی دهه ۱۹۹۰ در آمریکا حدود ۱۴۰ میلیارد دلار صرف پروژه‌های نرم‌افزاری شد که از این میزان تنها ۶۰ میلیارد دلار آن به نوعی به نتیجه رسید. ۸۰ میلیارد دلار دیگر صرف پروژه‌هایی شده بودند که به نتیجه‌ای نرسیدند.

باید گفت فارغ از اینکه سازمانی در کار جاری خود مشکلی داشته یا نداشته باشد، لژوم بازنگری در روش‌ها و سیستم‌های سنتی و قدیمی همواره وجود دارد. علت این کار، تغییر شرایط محیطی، حصول اهداف اولیه و لژوم تعریف اهداف جدید بر اساس شرایط جدید یا غیرقابل حصول بودن اهداف اولیه و نیاز به بازنگرید در آنها و بسیاری موارد دیگر از این قبیل است. از طرف دیگر، در یک جریان طبیعی از حیات سیستم‌ها نیز نیاز به بازنگری در ساختار و در نتیجه رفتار منبعث از ساختار و انتظام حاکم بر ساختار و رفتار سیستم‌ها، همواره وجود دارد.

یکی از اصول اولیه طراحی و ایجاد سیستم‌های کارا و مؤثر در عمل، ساده‌کردن آنها تا حد ممکن و دوری از دید «یک‌بخشی» (monolithic) و

امان الله قرایی‌مقدم

برخی افراد و گروه‌ها در جامعه نقش گروه مرجع یا ریفرنس گروپ را دارند؛ یعنی مورد داوری و قضاوت و الگو قرار می‌گیرند. برخی اشخاص را که در جامعه مشهور و معروف هستند و طرفدارانی دارند و مردم، به‌ویژه جوانان در رفتار و کردار و آینده‌نگری و بینش و طرز تفکر از آنان الگو می‌گیرند، به‌اصطلاح سلبریتی یا «اشخاص مشهور» می‌نامیم. تمام حرکات و گفته‌ها و کردارهای گذشته و آینده چنین افرادی مورد توجه و داوری مردم قرار می‌گیرد. به همین علت است که خانم بازیگری که از کشور خارج شده و قبلا موضع‌گیری‌هایی مثلا در دفاع از حجاب داشته، چنین مورد توجه قرار می‌گیرد یا فلان قهرمان ورزشی که زمانی چیزیز گفته است و اکنون چیز دیگری می‌گوید در معرض داوری خواهد بود. از این افراد سلبریتی و مشهور به شکل‌های مختلف استفاده می‌شود و این افراد ممکن است هم مورد استفاده بازرگانی و اقتصادی و تجاری قرار بگیرند، هم از آنها استفاده سیاسی شود، هم الگوی فرهنگی شوند و هم در مسائل اجتماعی وارد شوند. نمونه اقتصادی آن بیلپوردهای تبلیغات تجاری است که چهره سلبریتی‌ها را روی آنها می‌بینیم. در حوزه سیاست از وجهه این افراد استفاده می‌شود، کاری که تحت عنوان «تلقین وجهه» می‌شناسیم. می‌دانیم که «تلقین» یا «تقلید» فرق دارد. فردی که به او تلقین شده است، عملی را نیندیشیده و ناآگاهانه انجام می‌دهد. تقلید عملی آگاهانه و اندیشیده‌شده است. تحت‌تأثیر تلقین، فرد ممکن است خالکوبی یا فلان مدل انجام دهد یا موی سر را به شیوه کلنوپاترا یا مری اتناتونت آرایش دهد. نمونه سیاسی نیز آن است که آقای ریگان از فرانک سیاترا، خواننده معروف که در زمان تبلیغات انتخاباتی او ۵۰ یا صد میلیون نفر طرفدار داشت، استفاده کرد. در سیاست خودمان نیز پیش آمده است که از وجهه سلبریتی‌ها در امور سیاسی استفاده شود. درواقع از وجهه و اعتبار و شهرت این اشخاص در زمینه سیاسی استفاده و حتی سوءاستفاده می‌شود. علت اینکه گاهی شکل سوءاستفاده به خود می‌گیرد، این است که چنین تلقی یا وانمود می‌شود که فردی که قهرمان ورزش‌پرنداری یا فوتبال یا خواننده یا بازیگر خوبی است، در امور سیاسی

سلبریتی‌ها، گروه‌های مرجع و دورویی و تملق



و اقتصادی نیز وارد است یا اگر او از کسی جانبداری می‌کند، مطمئنا نظرش درست است. به این شکل جوانان تحت‌تأثیر احساسات قرار می‌گیرند، درحالی‌که چنین تصویری احتمالا درست نیست و اشتباه است. در زمینه فرهنگی نیز این افراد به الگوی فرهنگی تبدیل می‌شوند و مثلا خالکوبی یا موی سر بدهدی یا شیوه راندگی آنها خوب پنداشته می‌شود و گروه مرجع جوانان می‌شوند.

چون این افراد گروه مرجع می‌شوند، هر رفتار آنها نیز مورد داوری قرار می‌گیرد و هر کارشان زیر ذره‌بین می‌رود. درعین‌حال خطای آنها نیز صدهابرا بر بیشتر به چشم می‌آید و از این لحاظ به قاضی، استاد دانشگاه، معلم یا پلیس شباهت دارند که اگر خطا کنند، بسیار بیش از یک فرد عادی به چشم می‌آید. اگر کار خوب کنند یا کار بد، الگو قرار می‌گیرند و بنابراین طبیعی است که آن بازیگر مرد یا زن چنین در معرض قضاوت و مشکافانه قرار می‌گیرد و جامعه به کار نادرست یا تفاوت ظاهر یا باطن آنان واکنش نشان می‌دهد. واقعیت این است که جو جامعه افرادی را وادار می‌کند که به چیزی تظاهر کنند که به آن اعتقاد ندارند تا موقعیت شغلی یا مالی یا اجتماعی خود را حفظ کنند. در برخی جوامع که نمی‌توان آزادانه گفت‌وگو کرد، این دورویی‌ها و دورنگی‌ها به مراتب بیشتر دیده می‌شود. این مسئله‌ای است که در بسیاری از پژوهش‌ها و از جمله در پژوهشی که کورت لوین چندین دهه پیش در دانشگاه ام‌آی‌تی انجام داد، ثابت شده است. این مسئله در کشور ما نیز، سابقه طولانی دارد.

ابن خلدون تونس‌ی در کتابی به نام «العبر، و دیوان المتبدا و الخبر فی آیام العرب و العجم و البربر» می‌گوید: «طرافیان دولت ظاهری خوب و باطنی اکند، از خبت و بلیدی دارند». در چنان شرایطی بود که متملق و چاپلوس نسبت به بالادست، زورگو و متعدی می‌شد نسبت به ضعیف و زیردست. هروقت هم که اتفاقی می‌افتاد، همان یادمجان دورقاب‌چین‌ها به مراتب بدتر از آتانی که روز پیش از آن انتقاد می‌کردند، روی تملق‌شستوها شمشری می‌کشیدند. این شرایط اجتماعی چندهزارسال در تاریخ ما دوام داشته است و سخنورانی مانند سعدی در چنان شرایطی به گفتن این جملات وادار می‌شدند: «زبان پریده به کنجی نشسته صم بکم/ به از کسی که نباشد زبانش اندر حکم. ذوالفقار علی در نیامم و زبان سعدی در کام/ یا به دریا در منافع بی‌شمار است و گر خواهی سلامت برکنار است».

مدارامداری در آموزش!

تغییر دهد». (حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش).
جدا ی از خبر خوب خانم معاون و تأکید درشتان بر همکاری نهادهای تأثیرگذار در فرهنگ‌سازی در زمینه جلوگیری از رفتارهای تبعیض‌آمیز با اتباع، چند پرسش وجود دارد: نخستین پرسش‌ها را با یک خبر خوب دیگر آغاز می‌کنیم. در روزهای گذشته بازی پایانی فویتال قهرمانی آسیا، میان افغانستان و ژاپن و به میزبانی تبریز برگزار شد. در این بازی، افغانستان در حضور پرشور تماشاگران افغانستانی مقیم کشور به مقام دوم آسیا دست یافت. اما چند روزی حضور تماشاگران افغانستانی در تبریز با اماواگرایی همراه بود! برای نمونه شنیده شد در ۲۰ استان کشور آمودشد یا سکونت اتباع افغانستانی ممنوع است! شنیدن این موضوع در جهانی که مرزهای فیزیکی چندان معنایی ندارند و جهان -شهرندی یکی از شاخصه‌های مهم آن است، ممنوعیت حضور اتباع افغان، آن هم به بهانه‌های مختلف در برخی استان‌ها، بسیار شگفت‌آور است. چگونه است آمودشد و اقامت افغانستانی‌ها در کشور و در برخی استان‌ها آزاد است و در برخی کرده‌ایم... اما یک فرهنگ‌سازی در سطح جامعه به معنای کلان آن باید رخ دهد. فرهنگ‌سازی فقط وظیفه آموزش و پرورش نیست. نقش صدا و سیما در این میان بسیار پررنگ است. اینکه این رسانه بتواند فیلم‌ها و کارهای فاخری تولید کند که از نگاه فردی که مورد تبعیض قرار گرفته است وقایع را به تصویر بکشد، می‌تواند نگرش‌ها را داشته، چه واکنشی نشان می‌داییم?...»

یک داستان واقعی یمنی

می‌رسد. ۳۳ کیلومتر تا رسیدن به اولین بیمارستان فاصله است. آنان ناگزیر می‌شوند به یک بیمارستان کوچک بروند. با امکانات اندک آن بیمارستان پس از یک ساعت‌ونیم خیزران بهتر می‌شود. آنها به خانه برمی‌گردند و بار دیگر او شروع به خون‌ریزی می‌کند، اما دیگر فرصتی باقی نمی‌ماند. خیزران فرزندش را مدتی کوتاه دید، ذاقیعی کوتاه و خیلی زود درگذشت. علی زندگی‌اش را بدون مادر شروع کرد. مانند بسیاری از کودکانی که این روزها در یمن به دنیا می‌آیند، در یمن یک مادر و شش نوزاد تیم به ساعت بعد از زایمان جان خود را به‌دلیل نبود امکانات پزشکی از دست می‌دهند. هرچند یونیسف سعی می‌کند امکانات اولیه را در اختیار آنها قرار بدهد، اما شرایط جنگی این روزهای یمن وخیم‌تر از این است که امکانات برای همه زنان و نوزادان فراهم شود.

پیروزی دموکراسی در استانبول

● دارون عجم‌اغلو، استاد اقتصاد دانشگاه MIT و جیمز آ. آربینسون، استاد رشته «تعارض جهانی» در دانشگاه شیکاگو، در مقاله مشترکی به موضوع تلاش‌های شکست‌خورده اردوغان برای تغییر نتایج انتخابات شهرداری استانبول به نفع حزب خودش پرداخته‌اند که بخش‌هایی از آن را می‌خوانیم. زمانی که شورای عالی انتخابات ترکیه تحت سلطه رئیس‌جمهور، رجب‌طیب اردوغان، قرار گرفت، نتایج انتخابات بسیار مهم شهرداری استانبول را در ششم ماه می (۱۷ اردیبهشت) لغو کرد، جهان حق داشت نگران باشد؛ اما اکنون که رأی‌گیری دیگری برگزار شده است، اردوغان باید نگران باشد.

انتخابات محلی امسال - که در اصل در ۳۱ مارس برگزار شد - به‌عنوان یک رفراندوم درباره حکومت اقتدارگرای اردوغان به‌طور گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفته است. با رأی‌گیری مجدد در استانبول، اکنون نتایج کامل را به‌روشنی می‌توان دید. ائتلاف مخالفان، به رهبری حزب مردم جمهوری‌خواه (CHP)، در سه منطقه از مهم‌ترین مناطق شهری ترکیه برنده شد: آنکارا، ازمیر و استانبول. استانبول به‌عنوان پایتخت اقتصاد کشور و پرجمعیت‌ترین شهر، جایزه واقعی بود. این شهر علاوه بر اهمیت نمادین، همچنین قدرت و منابع قابل توجه (و فرصت‌های فساد اداری) را در اختیار کسانی که آن را کنترل می‌کنند، قرار می‌دهد. همان‌طورکه خود اردوغان گفته است: «هرکس برنده استانبول شود، ترکیه را می‌برد».

اردوغان که مانند رهبران پوپولیست در فیلیپین، برزیل، مجارستان، لهستان و جاهای دیگر، حرفه سیاسی خود را در مقام شهردار استانبول در دهه ۱۹۹۰ آغاز کرد، به نظر می‌رسید آمادگی انجام آنچه را برای برگشتن به نتیجه انتخاباتی مورد نظر لازم است، دارد؛ اما مخالفان، به آنهایی که خواستار تحریم رأی‌گیری مجدد بودند، بی‌اعتنا ماندند و به‌جای آن در انتخابات جدید نتیجه قوی‌تری رقم زدند و حزب عدالت و توسعه (AKP) اردوغان را که از سال ۲۰۰۲ بر ترکیه و از سال ۱۹۹۴ نیز در استانبول حاکم است، شکست دادند. شهردار جدید، اکرم امام‌اغلو از حزب CHP بیش از ۵۴ درصد از رأی‌ها را در برابر بن‌علی ییلدریم، نخست‌وزیر سابق AKP کسب کرد.

اهمیت این نتیجه فراتر از استانبول و حتی ترکیه است، زیرا بزرگ‌ترین نقطه ضعف پوپولیسم اقتدارگرا را فاش می‌کند، صندوق رأی، پوپولیست‌های امروز برای رسیدن به قدرت مانند همتایان گذشته خود در آمریکای لاتین، جنوب آسیا و ترکیه نیستند که از ارتش و چکمه نظامی استفاده می‌کردند و قدرت را از طریق کودتا در دست می‌گرفتند. دشمنان پیشین دموکراسی، مانند آگوستو پینوشه در شیلی، از طریق خشونت محض، قتل، شکنجه و زندانی‌کردن مستمر هرکسی که با حکومتشان مخالف بود، موقعیت خود را حفظ می‌کردند.

در مقابل، قدرت‌های پوپولیستی دو دهه گذشته از طریق انتخابات به قدرت رسیدند و معمولا مخالفانشان را نکشتند. در اغلب موارد، آنها با بهره‌گیری از نارضایی عمومی نسبت به نابرابری اقتصادی و سوءاستفاده از تقسیمات فرهنگی توانستند رأی بیاورند و هنگامی که به قدرت رسیدند، حکومت خود را از طریق تقاطهرات حامیان خود که به آنها امتیاز دادند، مشروعیت بخشیدند. البته مشکل این است که این استراتژی مبتنی بر قطب‌بندی رأی‌دهندگان لزوما به انتخابات آزاد و عادلانه منجر نمی‌شود، چه برسد به احترام به حقوق مدنی. بااین‌حال مهم است به یاد داشته باشید که این پوپولیست‌ها در نهایت روی پشتیبانی اکثریت تکیه می‌کنند و به‌همین‌دلیل است که آنها احساس نیاز می‌کنند به هر نحو که شده انتخابات را به نفع خود تمام کرده و به رسانه‌ها فشار می‌آورند که آنها را ستایش کنند.

اردوغان از این راهنما به‌خوبی استفاده کرده است، او با بهره‌گیری از نگرانی مذهبی‌ها، افراد با تحصیلات کمتر و کمتر متمایل به غرب که احساس می‌کردند از لحاظ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به حاشیه رانده شده‌اند، به قدرت رسید و در مصدر قدرت بود، بر محبوبیت خود در میان «مردم» تأکید کرد و در ۱۷ سال گذشته چندین پیروزی انتخاباتی به دست آورد، اما او نیز به‌طور فزاینده‌ای اقتدارگرا شد. رسانه‌های چاپی ترکیه و ایستگاه‌های تلویزیونی دیگر هیچ استقلال ندارند و بوروکراسی، قوه قضائیه و نیروهای امنیتی تحت کنترل وفاداران اردوغان هستند.

تلاش اردوغان برای برگرداندن نتایج انتخابات استانبول طبق منطق رفتار قبلی او بود اما باختن پاشنه آشیل او را نشان داد. کسی که در صندوق رأی برنده می‌شود، توسط همان صندوق رأی حذف می‌شود. این همان جایی است که باید قدرت‌تخلف پوپولیستی امروز را شکست داد و جایی که بازسازی دموکراسی آغاز می‌شود.

ونزوئلای تحت سلطه نیکلاس مادورو، یک استثنای واضح است. اما او در ابتدا با انتخابات به قدرت رسید و ادامه حکومت او مبتنی بر کنترل ارتش بوده و از آن زمان دیگر دغدغه مشروعیت مردم را به خود راه نداده است. برزیل، فیلیپین و بسیاری از کشورهای دیگر تحت حکومت پوپولیست‌ها به این شیوه نیستند. س‌رای آنها و همچنین برای خود مردم ترکیه، انتخابات استانبول یک درس مهم است.